

# ایرانیان دور از وطن، باورها و فرصتها

گفتگو با حسین پناهی‌آذر، محمد  
حسین لواسانی، سید علی محمودی و  
عباس ملکی

آن کس که برای ایفای نقش خویش برای آینده کشور مشکلات و مصایب بیشتری را تحمل می‌کند، طبعاً نقش حساس‌تری برای ساختن آینده کشور دارد و آنها که از مشکلات گریزان هستند هرگز نمی‌توانند با آنها که خود را درگیر مشکلات می‌کنند یکسان شمرده شوند.

زندگی در خارج از کشور مشکلات زیادی دارد ولی این مشکلات در بسیاری از موارد با مشکلات و مصایبی که یک فرد در داخل کشور به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آن درگیر بوده قابل مقایسه نیست. حضور در تمامی جبهه‌ها و از نزدیک حس کردن کمبودها، جنگ و ... سرانجام تلاش برای سازندگی از جمله ارزشهای مقدسی است که هرگز نمی‌توان آن را نادیده انگاشت.

کشیان

در ارتباط با:

مهاجرت‌هایی که در عرصه‌های  
بین‌المللی شاهد بوده‌ایم، پی آمدها و  
تأثیرات این مهاجرت‌ها را چگونه  
ارزیابی می‌کنید؟

ملکی: در پاسخ به این پرسش باید عرض کنم مهاجرت پدیده‌ای با سابقه است که از ابتدای خلقت انسان وجود داشته. البته دلایل و علل مهاجرت در طول زمان متغیر بوده و آنچه هم اکنون افراد و گروه‌های مختلف را ترغیب به مهاجرت می‌نماید باید در جو کنونی دنیا که با شتاب فراوانی در حال تغییر می‌باشد، بررسی گردد.

مهاجرت لزوماً نمی‌بایست اثر منفی در اذهان بگذارد، چه بسا مهاجرین صدر اسلام برای نیل به مقصود زحمانی را متقبل نمودند تا به پیروزی دست یافتند. در تاریخ ثبت است که گسترش اسلام در چین و آسیای جنوب شرقی توسط مهاجرین ایرانی صورت گرفته و یا نضج اسلام در شرق آفریقا توسط عده‌ای از مهاجرین شیرازی انجام شده است. به هر حال اینها نمونه‌هایی هستند که شاید هنوز به انواع دیگری وجود داشته باشند. آنچه به نظر می‌رسد مقصود شما باشد بررسی وضعیت مهاجرت ایرانیان پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران است و اگر این برداشت بنده درست باشد عرض می‌دارم تشدید روند مهاجرت پس از انقلاب‌های بزرگ همچون انقلاب اسلامی ایران طبیعی است؛ چون با تغییر نظام عده‌ای به واسطه ترس از رسیدگی به خلافهای گذشته و تعدادی به واسطه جو به وجود آمده توسط این گروه و منادیان خارجی با دنباله‌روی از کشور مهاجرت نموده‌اند. چنان که شاهدیم اوج مهاجرت در همان اوایل انقلاب بود و هم اینک روند معکوس و بازگشت به کشور را شاهد هستیم. در جمع‌بندی پاسخ به این پرسش می‌توان گفت بررسی طیف‌ها و گروه‌های مختلف ایرانی مقیم خارج از کشور، علل مهاجرت ایشان و شرایط زندگی و احتیاجات فرهنگی ایشان احتیاج به انجام تحقیقات گسترده‌ای دارد. کارهای مختلفی تاکنون انجام شده که جدیدترین آنها در مقاله‌ای تحت عنوان: «ایرانیان دور از وطن در دنیا» توسط آقای دکتر مهدی بزرگمهر استاد ایرانی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس تهیه شده که اطلاعات خوبی از تعداد ایرانیان خارج از

کشیان

موقعیت و چشم‌انداز  
فرهنگی و اجتماعی ایران را در نظام  
جهانی چگونه می‌بینید و نقشی که  
ایرانیان در این مجموعه دارند چگونه  
نقشی است؟

عباس ملکی: ضمن اظهار خوشحالی از اینکه با طرح این پرسشها فرصت را برای این جانب فراهم ساختید تا دانسته‌های خویش را درباره مسایل ایرانیان خارج از کشور در حول محور سؤالهای مطرحه منظم سازم، ابتدا لازم می‌دانم این نکته را مطرح سازم که صحبت از ایران و ایرانی صحبتی است که هر ایرانی اعم از اینکه در داخل زندگی کند یا در خارج از کشور باشد به آن علاقه‌مند است و با شوری خاص آراء و نظرات خود را درباره آن مطرح می‌سازد. طبعاً با توجه به موقعیتهای اجتماعی و فرهنگی مختلف آراء و نظرات متعددی در این باره وجود دارد که می‌توان این آراء و نظرات را از دیدگاههای مختلف در مجموعه‌هایی طبقه‌بندی نمود. یکی از مهم‌ترین دیدگاهها در نگرش به ایران و ایرانی دیدگاهی است که به آینده و سرنوشت ایران در نظام جهانی توجه دارد و آینده‌ای را برای ایران و ایرانی در نظام جهانی در نظر می‌گیرد که سرزمینی است توسعه یافته، مرفه و غیر نیازمند به غیر. از این رو نقش مؤثر هر فرد ایرانی در این راستا نقش تعیین کننده‌ای در چگونگی تجزیه و تحلیل مسایل ایرانیان داخل و خارج از کشور دارد.

آنچه مسلم است ایرانیان اعم از آنها که در داخل کشور هستند یا آنها که در خارج از کشور زندگی می‌کنند هر یک نقشی حساس می‌توانند برای آینده کشور داشته باشند و باید به هر دو توجهی خاص مبذول داشت.

نزدیک به دو میلیون ایرانی در کشورهای مختلف جهان زندگی می‌کنند. پیرامون دلایل عزیمت این گروه از ایرانیان به خارج کشور نظریات متفاوتی ارائه شده است، اما عاملی که بیش از همه عنوان می‌شود وجود «مسایل سیاسی» است. با تعمق بیشتر در نحوه رفتار و زندگی ایرانیان مقیم خارج کشور مشاهده می‌شود که تنها بخش کوچکی از ایرانیان به دلایل سیاسی عازم فرنگ شده‌اند. و همچنان که بسیاری از مهاجرین تصویری موهوم از موقعیت داخل کشور داشته‌اند، این تصور نیز توهمی بیش نیست. چرا که صرف‌نظر از بخش قابل توجهی از ایرانیان که قبل از انقلاب اسلامی در کشورهای خارج زندگی می‌کرده‌اند، بسیاری از کسانی که پس از وقوع انقلاب اسلامی عازم اروپا و آمریکا شده‌اند دلایلی کاملاً غیر سیاسی برای مهاجرت خود داشته‌اند. به نظر می‌رسد اکنون پس از گذشت چندین سال دوری و مهاجرتی «حقیقی» نمود بیشتری یافته است. به راستی انبوه ایرانیان خارج کشور چه می‌کنند؛ انگیزه‌ها، آرزوها و خواسته‌های آنان چیست؟ مشکلات و مسایل ویژه آنان کدامند؛ مسؤلیت دولتمردان در قبال صدها هزار ایرانی دور از وطن چیست، و چگونه می‌توان از فشار مسایل مختلفی که هر روز ایرانیان مقیم خارج کشور را تهدید می‌کند پیشگیری کرد؟ «کیهان فرهنگی» در گفتگو با سفرای جمهوری اسلامی ایران آقایان محمد حسین لواسانی (کانادا)، حسین پناهی‌آذر (سوئد)، سید علی محمودی (فنلاند)، و آقای عباس ملکی معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه به انعکاس بخشی از مسایل موجود ایرانیان مقیم خارج کشور پرداخته است. با هم می‌خوانیم.

کشور در دنیا به دست می‌دهد.

اما در کنار این کار آماری احتیاج به تجزیه و تحلیلهای اجتماعی نیز می‌باشد. باز جزوه‌ای پیرامون پایبندی ایرانیان مقیم لس آنجلس به معتقدات دینی توسط مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه لس آنجلس تهیه شده که با مطالعه آن درمی‌یابیم که ایرانیان تا چه حد عامل به احکام دینی هستند و دلایل شدت و ضعف آن چیست؟

این گونه تحقیقات که در خارج از کشور انجام می‌گیرد، به صورت منفرد پاسخگوی پرسشهایی نیست که در ذهن ماست ولی باید هم از کلیه این تحقیقات آگاه شد و استفاده کرد و در ادامه کار خود فاصله‌های موجود را با انجام مطالعات تکمیلی پر نمود.

**پناهی آذر:** پدیده پناهندگی خاص و ویژه جمهوری اسلامی نیست، یک پدیده اجتماعی است که در تمام مقاطع مختلف زمانی و برای اکثر کشورها تقریباً پیش آمده است. مثالهای زیادی را هم می‌شود مطرح کرد. میلیونها نفر از ایرلند، سوئیس، سوئدی، پاکستانی‌ها، هندی‌ها، آلمانی‌ها در خارج از کشورشان زندگی می‌کنند. تعدادی از ایرانی‌ها هم در شرایط خاصی و به دلایل مختلف از کشور خارج شده و یا به عبارت بهتر مهاجرت کرده‌اند. مسایلی مانند جنگ و مشکلات دیگر عامل اصلی این مهاجرت‌ها هستند. سخن اصلی من آن است که طیف گسترده از این مهاجرین ضدیت با نظام کشورشان ندارند؛ بلکه تحت شرایطی تن به این نوع زندگی داده‌اند و در بعضی مواقع حتی عامل‌های رشد اقتصادی هم برای کشورشان هستند. به عنوان نمونه نزدیک به ده میلیون پاکستانی در خارج از کشورشان زندگی می‌کنند و هر سال چند میلیارد دلار از راههای گوناگون به اقتصاد کشورشان کمک می‌کنند و یا در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن جدید یک میلیون و سیصد هزار نفر از جمعیت چهار و نیم میلیون نفری سوئد از این کشور مهاجرت کرده‌اند و به کشورهای مختلف چون آمریکا رفته‌اند. پس به مسأله مهاجرت باید وسیع‌تر نگریست و به ویژه راهگشای مشکلات و معضلات فرهنگی آنان بود.

**لواسانی:** لازم است در ارتباط با مطلب آقای پناهی آذر من نیز دو نکته را عرض کنم: نخست آنکه یک جو فاشیستی و ضد اقلیتهای قومی است که در حال حاضر در بیشتر کشورهای غربی به وجود آمده است، به گونه‌ای که فشار فزاینده‌ای به مهاجرین و اقلیت‌ها وارد می‌شود؛ دیگر آنکه تبلیغات گسترده‌ای اعمال می‌شود مبنی بر اینکه مهاجر خوب آن است که در فرهنگ کشور میزبان حل شود و فرهنگ و سنن خود را فراموش کند. ما به عنوان نمایندگان این کشور باید تمام کوشش و تلاش خود را معطوف به تقویت فرهنگ و هویت ملی و مذهبی در میان ایرانیان مقیم خارج کنیم.

**کشیان**

: با توجه به تلاشهایی که از سوی غرب به منظور هویت‌زدایی و تحمیل الگوهای بیگانه صورت می‌گیرد، ایرانیان در خارج از کشور تا چه حد

## تحت تأثیر رویدادهای محیطی و فرهنگ بیگانه قرار گرفته‌اند؟

**ملکی:** بی‌شک هر کسی که از مرزهای کشور خود خارج شود تحت تأثیر فرهنگ کشور جدید قرار می‌گیرد، چنانچه عده‌ای برای مدتی معلوم یا نامعلوم از کشور خود به کشور دیگری مهاجرت نمایند ناگزیر به تطبیق خود با محل زندگی جدید بوده و بر اثر این اجبار تغییر ناپذیر می‌گردند. چنانچه مهاجرت به کشورهایی که با فرهنگ و آداب و رسوم ما شباهت داشته باشند انجام بگیرد، تأثیرات تفاوت دارد تا کشورهایی که با فرهنگ و آداب و رسوم ما بیگانه هستند. هویت‌زدایی بر اثر استمرار تأثیرات محل اقامت جدید بر مهاجرین صورت می‌پذیرد. در بررسی هویت ایرانیان خارج از کشور و اینکه تا چه مقدار هویت اصلی خود را حفظ کرده‌اند نیز مقالاتی به فارسی و انگلیسی در خارج از کشور نوشته شده که باز با مرور

مهاجرت کند بدیهی است که تأثیرگذاری می‌تواند به سهولت انجام پذیرد.

**سید علی محمودی:** در حال حاضر ایرانیان مقیم غرب در آستانه بیکه دوراهی قرار گرفته‌اند، به ویژه آنکه اکنون یک تصویر واقعی از موفقیت خود و همچنین وضعیت ایران به دست آورده‌اند. آنان باید از این دو وضعیت یکی را انتخاب کنند: یا آنکه در مقابل فرهنگ غرب تسلیم شوند و در آن حل شوند و یا آنکه به فرهنگ ملی و ارزشها و سنن خود پایبند بمانند. با بررسی وضعیت ایرانیان مقیم غرب متوجه می‌شویم که بسیاری از آنها وضعیت دوم را - که همان حفظ فرهنگ ملی، ارزشها و سنتهای خود بوده است - انتخاب کرده‌اند. برگزاری مناسبتهای ملی و اعیاد مذهبی،

عشق و علاقه وافر برای سفر به ایران از طریق تسهیلاتی که از سوی سفارتخانه‌ها و سرکنسولگریهای کشورمان فراهم شده است، هم نشان از کوشش و



آنها متوجه می‌شویم که حفظ یا از دست دادن هویت ایرانیان در جانی دارد و در بررسی وضعیت ایرانیان خارج از کشور باید به تفاوتی موجود توجه شود. دیگر باره باید از کارهایی که در این خصوص انجام گرفته بهره‌برداری نماییم و خود به یک نتیجه مبتنی بر واقعیت برسیم.

مسلم است که در میان کشورهای دنیا هم اینک فرهنگ غرب برای تحمیل خود به دنیا حرف و برنامه دارد. اینکه غرب می‌خواهد همه چیز خود را الگوی زندگی دنیا قرار دهد تعارف ندارد. تلاش وسیعی که در پوشش ماهواره‌ای دنیا از برنامه‌های غربی می‌شود، فعالیتی که در معرفی و فروش کالاهای غیر اساسی که به تمامی اشاعه دهنده فرهنگ غربی می‌باشد صورت می‌گیرد، همه در جهت تهاجم فرهنگی غرب است که به جد دنبال می‌شود.

حال وقتی که یک ایرانی هر چند در ایران زندگی کند از این آفات دور نیست اگر همین ایرانی به کشورهای دیگر (در اینجا به طور مشخص غرب)

تلاش ایرانیان در جهت حفظ و نگهداری شئون و ارزشهای اخلاقی و سنن و اعتقادات ملی و مذهبی‌شان دارد. توجه و گرایش به آموختن و به کارگیری زبان فارسی در میان ایرانیان مقیم خارج در همین جهت حفظ ارزشها و سنن ملی است. نگرانی اصلی خانواده‌های مقیم خارج اکنون این است که فرزندان‌شان از زبان و فرهنگ فارسی و ایرانی دور نشوند و بچه‌ها در محیط ایرانی بزرگ شوند و ایرانی بودن خود را حفظ کنند. بیشترین کسانی که به مراکز فرهنگی سفارتخانه‌های کشورمان مراجعه می‌کنند چاره این مشکل را از ما می‌جویند. گسترش ورزشهایی چون ورزش باستانی، کشتی و امثال آن نشان از این گرایش دارد.

روند رخدادها نشان می‌دهد که ایرانیان مقیم غرب با درک واقعیت‌های ملموس به آگاهی از وضعیت خود و کشورشان رسیده‌اند و روز به روز فاصله‌شان با مراکز هوجوی غرب و بی‌مذهب زیادتر می‌شود. چون در واقع بطلان تبلیغات آنان را در مورد ایران با تردید ازادانه در کشور و تماس مستقیم با واقعیت‌های جاری در جامعه ایران درک کرده‌اند.

در خصوص رفع مشکلات ایرانیان خارج از کشور و ایجاد مراکز فرهنگی به منظور ارتباط مهاجرین با ارگانهای فرهنگی ایرانی چه نامه‌هایی طرح‌ریزی شده و به طور کلی چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟

ملکی: برای بررسی مشکلات مهاجرین ایرانی در خارج از کشور و طرح‌ریزی برنامه‌های فرهنگی مرکزیتی لازم است که دانسته‌ها را جمع‌آوری و نظرات ارگانهای ذیربط را جویا شده سپس با توجه به امکانات موجود اقدام به فعالیت کند. اما اکنون متأسفانه مرکزیت مشخصی وجود ندارد. تاکنون با همکاری وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سایر ارگانهای ذیربط اقداماتی در جهت برنامه‌ریزی برای ایرانیان خارج از کشور صورت پذیرفته است. بر اثر چنین اقداماتی تاکنون جلسات فراوانی با حضور مسؤولین کشور در جمع ایرانیان مقیم خارج از کشور برگزار شده که در آنها مسایل مورد نظر مطرح و فوایدی نیز در بر داشته است. بی‌تردید در صورت شناسایی، وجود عده‌ای از ایرانیان مقیم خارج کشور می‌تواند در جهت منافع ملی کشور مورد استفاده قرار گیرد و تنها تعدادی بوده و خواهند بود که وجودشان محل منافع ملی می‌باشند.

فعالیت‌های خوبی تاکنون توسط نمایندگان کشورهای ایران در مناطقی که مهاجرین ایرانی زیادی وجود دارند صورت گرفته که شناخت ما را در داخل نسبت به ابعاد زندگی، مزایا و مشکلات مهاجرین افزایش داده است.

پیرامون کارهایی که بتواند ارتباط مستمر مهاجرین را با وطن خود حفظ کند، به نظر می‌رسد باید سعی نمود؛ در حد امکان با استفاده از تکنولوژی روز به این امر اهتمام نمود. چنانچه به فرض استفاده از ماهواره جهت پخش برنامه سیمای جمهوری اسلامی اکنون میسر نیست، این کار به نوبه خود می‌تواند از طریق ایرانیان علاقه‌مند و با استفاده از شبکه‌های داخلی کشورها صورت پذیرد. همچنین در مورد دسترسی ایرانیان خارج از کشور به مطبوعات باید نوع خبرها و گزارشهای مورد نیاز و علاقه ایرانیان خارج از کشور را سنجید و سپس اقدام به چاپ و توزیع خبرنامه، روزنامه یا مجله نمود.

در پاسخ به پرسش پیشین اشاره شد که هماهنگی واحدی در برخورد با مسایل ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد، اما تا حصول به این هدف انجام کارهای مفید شدنی است. تجربه‌ای که ما در برخورد با عده‌ای از ایرانیان مقیم خارج از کشور در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی داشته‌ایم موفق بوده و توانسته‌ایم از نزدیک به هفت سال پیش با بسیاری از استادان ایرانی مقیم خارج از کشور ارتباط برقرار کنیم. در این مسیر تعداد زیادی از استادان و محققین ایرانی برای شرکت در کنفرانس‌ها به ایران آمده یا برای تدریس کوتاه مدت به دانشجویان ما اعلام آمادگی کرده‌اند. ما چنانچه بتوانیم پیوند خود را با ایرانیان خارج کشور برقرار نموده و آن را توسعه دهیم خود به خود باعث وصل ایشان به وطن شده‌ایم. این کار هم برای کشور

مفید است و هم برای ایرانیان مقیم خارج از کشور. اکنون خوشبختانه جوی که تا چند سال پیش برای همکاری بین داخل و خارج از کشور بوده شکسته شده و افراد تمایل به همکاری بیش از پیش دارند. چنانچه ما همکاری با ایرانیان خارج از کشور را با برنامه‌ریزی ادامه دهیم مطلوب خواهد بود. در این صورت است که جایگاه هر گروهی از ایرانیان با توجه به موقعیتها و دانشی که دارند مشخص می‌شود. ذکر یک نکته در اینجا ضروری است و آن اینکه در



☆ عباس ملکی: ایرانیان مقیم خارج کشور حتی آنان که خود در مراحل مفتون و مجذوب فرهنگهای بیگانه شدند، با گذشت زمان دریافته‌اند که بریدن کامل از زبان و فرهنگ خودی نه امکان‌پذیر است و نه به مصلحت خود و فرزندانشان می‌باشد.

☆ عباس ملکی: بررسی طیف‌ها و گروههای مختلف ایرانی خارج از کشور و طبقه‌بندی نیازها، علایق و وابستگی‌های آنها نیاز به انجام تحقیقات گسترده‌ای دارد که تاکنون چنین تحقیقات وسیعی صورت نگرفته است.

بررسی علل مهاجرت ایرانیان که روندی است جاری و تنها می‌تواند شدت و ضعف داشته باشد، باید به گذشته‌ها یا خواسته‌هایی که مهاجرین دارند توجه شود. چه بسا بتوان با بررسیهایی علل بعضی از مهاجرتها را شناسایی و در صورتی که نقضی متوجه داخل کشور است، آن را برطرف نمود.

مفهوم خارج از کشور، مفهومی گسترده است و نمی‌تواند به شکل واحدی تفسیر گردد. به عبارت دیگر تنوع فرهنگ‌ها و آداب و رسوم کشورها و سرزمینها به گونه‌ای است که باید ویژگیهای مختلفی را برای فعالیتهای فرهنگی در نظر گرفت و به نسبت هر فرهنگ و سرزمینی فعالیت‌های خاصی را در نظر گرفت. بنابراین به آسانی نمی‌توان مشخصه‌های فعالیتهای فرهنگی خارج از کشور را بدون مد نظر قرار دادن محیط و فضای فرهنگی حاکم در هر نقطه مشخص ساخت.

اکنون ایرانیان در غالب نقاط جهان وجود دارند. برای هر کدام از کشورها نوع خاصی از فعالیت فرهنگی لازم است. محیط فرهنگی هر کشور همچنین محیط فرهنگی ایرانیان از یک کشور به کشور دیگر فرق می‌کند. از این رو مفید بودن فعالیتهای فرهنگی در گرو توجه به ویژگیهای متفاوت فرهنگی است. در عین حال برای هر گونه فعالیت فرهنگی باید بر دو محور زیر تأکید بشود:

- ۱- کمتر کردن پیوند ایرانیان با محیط
- ۲- تلاش در ادغام فعالیتهای فرهنگی ایرانیان خارج از کشور در مجموع فعالیتهای فکری و فرهنگی داخل به گونه‌ای که بین حوزه داخلی و خارجی نوعی همسویی برقرار شود.

کتابخانه

مهم‌ترین تلاشهایی که از سوی نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در این مسیر صورت گرفته کدامند؟

ملکی: بجز کارهای پراکنده مطالعاتی و گزارشهای موردی نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج کاری منسجم و دقیق که بتواند جمع جهات را شامل شود صورت نگرفته است و همان گونه که در پاسخ به سؤال نخست نیز گفته شد، بررسی طیف‌ها و گروههای مختلف ایرانی خارج از کشور و طبقه‌بندی نیازها، علایق و وابستگی‌های آنها نیاز به انجام تحقیقات گسترده‌ای دارد که تاکنون چنین تحقیقاتی صورت نگرفته است.

به نظر می‌رسد عمده‌ترین مشکل علمی در این زمینه فقدان یک مطالعه دقیق منسجم و منظم در مورد ایرانی‌های خارج از کشور است. همه می‌دانیم که مسایل ایرانی‌ها در خارج از جمله مسایل مهم برای مردم و مسؤولین کشور است ولی تا آنجا که مشخص است هنوز کار متمرکز علمی درباره آنها، نیازها، خواسته‌ها و توانایی‌های آنها به عمل نیامده است. به این سبب است که با تأکید می‌گوییم که هرگونه انجام کار تحقیقاتی در این زمینه فواید متعددی به همراه خواهد داشت.

**کتابخانه**  
**دوستدار فرهنگ اسلامی - ایرانی از چه طریق با این ارزشها در ارتباط هستند و چه نهادهایی در این زمینه به فعالیت مشغولند؟**

**ملکی:** اگر منظور از محافل و گروههای دوستدار فرهنگ اسلامی - ایرانی ایرانیان باشند و نه تمامی علاقه‌مندان به فرهنگی اسلامی - ایرانی که می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از غیر ایرانیان هم باشد باید اظهار داشت که نهادها و سازمانهای گوناگون مرتبط با موضوع هر یک به گونه‌ای خاص این ارتباط را برقرار می‌سازند. اما آنچه در محدوده مربوط به وظایف سازمانی می‌باشد، باید بگویم که این ارتباط به چند صورت انجام می‌پذیرد:

نخست از طریق تماس مستقیم افراد با نمایندگان گهگاهی جمهوری اسلامی ایران در خارج دوم، از طریق حضور آنها در کنفرانسهای متعدد در ایران سوم، از طریق مشارکت در کنفرانسهای تحقیقاتی و علمی در خارج از کشور

وزارت امور خارجه در این زمینه از یک طرف مستقیم و مستقل عمل می‌کند. به عنوان مثال وابستگی مطالعاتی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در بعضی از سفارتخانه‌های ایران به طور مستقیم با متخصصین مربوطه در تماس هستند و از سوی دیگر وزارت امور خارجه فعالیتهای سیاسی اجرایی امور فرهنگی در خارج از کشور را انجام می‌دهد. خانه‌های فرهنگ، وابستگان دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از طریق پشتیبانی سیاسی و کنسولی وزارت امور خارجه عمل می‌کنند.

همچنین باید نقش خاصی برای فعالیتهای صدا و سیما قابل شد که می‌تواند با گسترش فعالیتهای خود به معرفی فعالیتهای سیما نقش حساس را در ارتباط با ایرانیان خارج از کشور ایفا نمایند.

### کتابخانه

**به نظر می‌رسد برنامه گسترش زبان و ادب فارسی از طرحهای ضروری وزارت امور خارجه برای راه‌اندازی و توسعه کرسیهای جدید این رشته در دیگر کشورهای جهان است. در مورد برنامه‌ها و اهداف آینده مرکز گسترش زبان و ادب فارسی اگر توضیحی دارید، بفرمایید؟**

**محمودی:** زبان و ادبیات فارسی تقریباً در تمام مناطق جهان از دیرباز در طول حیات درخشان خود انتشار یافته است. شاید بدانید که برای نمونه در هندوستان بیش از سی هزار شاعر پارسی گوی می‌زیسته‌اند که یا هندو و یا مسلمان بوده‌اند. در طول مدت هزار سال، زبان فارسی، زبان رسمی (دیوانی) دربار هند بوده است و تا هجوم انگلیسیها به هند، زبان مکاتبات در این کشور فارسی بوده است. خدمات ترکان به زبان فارسی بسیار قابل توجه است. با اینکه مغولان هند از نظر نژاد ترک بودند ولی زبانشان فارسی بود. ۴۰۰ شاعر در دربار محمود غزنوی فعالیت

می‌کردند. حتی در بوسنی هرزگوین زبان فارسی تا آن حد رایج بود که در آنجا سودی یکی از مهم‌ترین شرح‌ها را در چهار جلد بر دیوان حافظ نوشت. خلاصه از دریای هند تا منطقه بالکان زبان فارسی رواج چشمگیری داشته است. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، زبان و ادب پارسی در کشورهای آسیای مرکزی مانند تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان و ... تجدید حیات یافت. در فنلاند - که ما هستیم - بعضی از مهم‌ترین آثار شعر و نثر فارسی مانند «گلستان»



**☆ محمد حسین لواسانی:**  
**اینکه ما چگونه با نسل حاضر ایرانیان مقیم خارج کشور برخورد کنیم بی‌تردید روی نسل آینده آنها نیز تأثیر می‌گذارد.**

**☆ محمد حسین لواسانی:** جو فاشیستی و ضد اقلیتهای قومی که در حال حاضر در بیشتر کشورهای غربی پدید آمده است، فشار فزاینده‌ای به مهاجرین و از جمله ایرانی‌های مقیم خارج وارد می‌کند.

**سعدی، «دیوان حافظ»، اشعار مولوی، فردوسی و خیام و از آثار معاصران «بوف کور» اثر دیربای صادق هدایت توسط اعضای «انجمن دوستی جمهوری اسلامی ایران و فنلاند» که دربرگیرنده ایران‌شناسان، شرق‌شناسان و زبان‌شناسان مهم فنلاندی است، از متون اصلی به زبان فنلاندی ترجمه شده است و این روند همچنان ادامه دارد.**

اما در مورد کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی، دستگاه‌های تصمیم‌گیری لازم است در نحوه‌گزینش اساتید اعزامی به کشورها برای تدریس زبان و ادبیات فارسی، با اشراف و دقت نظر بیشتری اقدام کنند. صرف اعزام یک استاد دانشگاه برای تصدی کرسی زبان و ادب فارسی در دانشگاه یک کشور خارجی بدون ارزیابی توان علمی، تسلط به زبان خارجی و احاطه به روش‌های نوین تدریس و همچنین شرایط سنی مناسب، موجب صرف هزینه‌های فراوان و اخذ نتایج اندک خواهد بود. در مواردی ممکن است یک تجربه ناموفق، زمینه همکاری متقابل را خراب کند و احیاناً ادامه کار را به بن‌بست بکشاند. پس در اعزام اساتید زبان و ادبیات فارسی و همچنین اسلام‌شناسی و تاریخ، ملاک‌های زیر لازم است به دقت اعمال شود:

- ۱- احاطه علمی
- ۲- تسلط به زبان خارجی (مکالمه و مکتوب)
- ۳- احاطه به روش‌های نوین تدریس و تبحر در اعمال آنها در جریان تعلیم و تعلم
- ۴- وضعیت سنی مناسب

در فنلاند هم اکنون کرسی زبان و ادبیات فارسی توسط یک استاد نیمه وقت مقیم هلسنکی اداره می‌شود. استاد اعزامی قبلی از تهران در خلال دو سال مأموریت خود متأسفانه کارنامه‌ای موفق بر جای نهاد که هنوز آثار آن با وجود تلاش‌های فراوان زوده‌نشده است. ما از دو سال و نیم قبل به موازات فعالیت کرسی زبان و ادبیات فارسی، کلاس تدریس زبان فارسی در مرکز زبانهای خارجی دانشگاه هلسنکی را با همکاری این دانشگاه پایه‌گذاری کردیم که با استقبال دانشجویان فنلاندی رو به رو شده است و اولیای دانشگاه خواهان گسترش آن هستند. از سال تحصیلی آینده این کلاس به دو کلاس (دوره‌های مقدماتی و متوسطه) افزایش خواهد یافت. روابط ما و دانشگاه هلسنکی به آموزش زبان خلاصه نمی‌شود. می‌توان در اینجا به برگزاری سمینارهای علمی و تبادل هیات‌های اساتید ایران و فنلاند اشاره کرد. اهدای بیش از دویست جلد کتاب پایه و نفیس به کتابخانه دانشگاه هلسنکی و کتابخانه مرکزی شهر هلسنکی از دیگر اقدامات فرهنگی سفارت است. ما از دو سال و نیم قبل تاکنون نشریه "The Reports" را به زبان انگلیسی منتشر می‌کنیم که در میان سیاستمداران، اساتید، نویسندگان، روشنفکران و صاحبان صنایع فنلاند و استونی با استقبال فراوان مواجه شده است. این نشریه هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود و در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز علمی فنلاند و استونی در دسترس است.

جالب است بدانید که از قرن شانزدهم تاریخ و ادب ایرانی در مهم‌ترین دانشگاه استونی یعنی دانشگاه «تارتو» تدریس می‌شده است. پروفیسور **تالوتیه** رئیس این دانشگاه در دیداری که در شهر تارتو با هم داشتیم

از وجود کتب فارسی و عربی در دانشگاه شمالی‌ترین کشور منطقه بالتیک خبر داد و خواستار اعزام استاد تاریخ و ادبیات فارسی از سوی جمهوری اسلامی ایران به این دانشگاه شد.

متأسفانه مراکز مسؤول به رغم وعده‌هایی که می‌دهند، در این مورد و همچنین اعزام استاد اسلام‌شناسی - که مورد درخواست دانشگاه هلسنیکی (فنلاند) است - در عمل کاری نکرده‌اند.

**ملکی:** فعالیت برای گسترش زبان و ادب فارسی مسؤولیتی است خطیر که بر عهده مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف گذاشته شده است. بخشی از این فعالیت‌ها توسط نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران انجام می‌پذیرد و تجربه‌ای که از فعالیت‌های نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در این خصوص حاصل شده این است که:

ایرانیان مقیم خارج از کشور - حتی بسیاری از آنان که خود در مراحل مفتون و مجدوب فرهنگ‌های بیگانه به صورت تمام عیار شدند - با گذشت زمان و تجربه افت و خیزهای اجتماعی در کشورهای مختلف، دریافته‌اند که بریدن کامل از زبان و فرهنگ خودی نه امکان‌پذیر است و نه اینکه به سود و مصلحت فرزندان آنان می‌باشد. از این رو شاهد موج‌های پراکنده و تلاش‌های کم و بیش جدی خود جوش در زمینه آموزش زبان و خط فارسی به نسل‌های دوم و سوم ایرانیان - به ویژه در کشورهای اروپای غربی و آمریکا و کانادا - می‌باشیم.

معاونت آموزشی و پژوهشی وزارت امور خارجه ضمن ارج نهادن به هر گونه فعالیت و ایده‌ای که در این زمینه از هر جای دنیا و توسط هر کس ارائه می‌گردد، مقدمات اجرایی طرح آموزش زبان فارسی را از طریق نوارهای ویدیویی و کتابهای راهنما - با استفاده از آخرین تکنولوژی آموزشی - فراهم نموده و به تصویب شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی رسانده است که ان شاء الله پاسخی شایسته و فراگیر به این نیاز مبرم خواهد بود.

«مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی» وزارت امور خارجه نیز بر اساس چنین ضرورت و الزامی شکل گرفت. این مرکز با گردآوری آخرین اطلاعات، وضعیت کنونی کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در سراسر جهان را شناسایی، لیست کمبودها و نیازها را تنظیم و در حد امکان سعی در برقراری ارتباط و ممانعت از قطع کامل اتصال این کرسی‌ها با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور نموده است.

در آخرین نشست شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی که چندی پیش با حضور وزرای محترم امور خارجه، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر اعضا برگزار شد، مقرر گردید به منظور هماهنگی مطلوب‌تر، کلیه اقدامات اجرایی در مورد احیای کرسیهای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های معتبر جهان و همچنین راه‌اندازی کرسی‌های جدید از این پس از طریق وزارت امور خارجه انجام شود.

نکته قابل تأمل این است که به برکت انقلاب اسلامی ایران، میزان علاقه‌مندی و اشتیاق به فراگیری زبان فارسی در سرتاسر جهان از موزامبیک و آفریقای جنوبی

تا شمال آفریقا، از شیلی تا کانادا، از فیلیپین، کره جنوبی تا قلب اروپا، علی‌رغم امکان اجابت کامل درخواستهای واصله، در سالهای اخیر پیوسته افزایش یافته است. ارسال نوارهای کاست، فرهنگ‌های لغت، کتابهای مرجع، کتابهای قصه و شعر معاصر، مجلات فرهنگی و ادبی، اعزام مدرسان و استادان زبان و ادبیات فارسی با هماهنگی ارگانهای فرهنگی کشور، تشکیل دوره‌های ویژه بازآموزی استادان غیر ایرانی



**☆ حسین پناهی آذر: ایرانیان مقیم خارج کشور علاقه وافری برای ارتباط با ایران چه از طریق سفر و چه از راه ارتباط فرهنگی دارند و نمایندگیهای خارج از کشور نیز باید تلاش و کوشش خود را جهت جفظ و گسترش این ارتباطات و ارائه مطالب فرهنگی و تدارک برنامه‌هایی در این باره متمرکز کنند.**

**☆ حسین پناهی آذر: اغلب افراد جوان ایرانی مقیم خارج کشور با ذهنیتی کاملاً رمانتیک به خارج آمده‌اند. این کشورها برای آنان کعبه‌آمال و آرزوها بوده است ولی اکنون واقعیتها آنان را متحول کرده است.**

زبان فارسی در تهران و بعضی کشورهای، زمینه‌سازی برای پذیرش دانشجویان سالهای سوم و چهارم رشته زبان فارسی در مقطع لیسانس از کشورهای مختلف در دوره‌های کوتاه مدت آموزش تکمیلی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و مرکز آموزش بین‌المللی زبان فارسی (وابسته به دانشگاه تهران)، برانگیختن مؤلفان غیر ایرانی کنفرانسهای آموزش زبان فارسی به زبانهای مختلف برای بازنویسی آنچه سالها پیش تألیف کرده‌اند و ... بخشی از کارهای انجام شده می‌باشد.

اما تذکر این نکته ضرورت مبرم دارد که آنچه انجام شده در برابر آنچه باید صورت گیرد قطره در مقابل اقیانوس است.

**لواسانی:** آموزش زبان فارسی در دانشگاه کانادا یک امر منطقی است زیرا ایران دارای پیشینه فرهنگی چند هزار ساله است؛ دیگر آنکه رابطه سیاسی و اجتماعی خوبی میان جمهوری اسلامی ایران و کانادا برقرار است؛ سوم آنکه نزدیک به هزار دانشجوی ایرانی در کانادا مشغول به تحصیل هستند؛ و چهارم آنکه نزدیک به صد و پنجاه هزار ایرانی در کانادا زندگی می‌کنند. این چهار شاخص عاملی است که ما از دانشگاهها و یا مراجع فرهنگی یا علمی کانادا در بعضی از مراکز علمی این کشور درخواست تدریس زبان فارسی را داشته‌باشیم که آنان نیز اهمیت این مسأله را پذیرفته‌اند. اما مشکلات مالی را به عنوان عامل بازدارنده مطرح می‌کنند و از سویی چند تضمین چند ساله را به عهده ما گذاشته‌اند.

نخست آنکه ما استادش را تأمین کنیم و نیز تضمین کنیم که جذابیت داشته باشد آن گونه که دانشجویان آن را به عنوان واحد رسمی خود انتخاب کنند که این کار مستلزم همکاری وزارتخانه‌های ذی‌ربط مانند وزارت فرهنگ و آموزش عالی و فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در هر صورت ما به عنوان سفیران جمهوری اسلامی باید در همه زمینه‌ها فعال باشیم چون نمایندگان تمامی ارگانهای داخل کشور هستیم. سفارت جمهوری اسلامی ایران در کانادا توانسته است ارتباط خوبی با دانشجویان برقرار کند. ما برای حل مشکلات موقت مالی آنها با همکاری دانشجویان و کمک سفارت چند صندوق قرض‌الحسنه تشکیل داده‌ایم. همچنین ارتباطاتمان را با مسؤولین و رؤسای دانشگاهها در سراسر کانادا گسترش داده‌ایم و آخرین خبر آنکه ما با تلاش و فعالیت‌های بیست بورس از دانشگاهها و ایالت کمک بگیریم که در حال بررسی هستیم که چگونه از آنها استفاده کنیم.

### کشیان

در زمینه انتقال

ارزشهای دینی و میراث فرهنگی به علاقه‌مندان فرهنگ اسلامی - ایرانی عملکرد این نهادها چگونه بوده است و صاحب‌نظران غیر ایرانی در انجام این امور تا چه حد از خود علاقه‌مندی نشان می‌دهند؟

**ملکی:** اگر در پاسخ به پرسشهای پیشین دستداران فرهنگ اسلامی - ایرانی را محدود به ایرانیان خارج از کشور نمودیم تا بتوانیم به این سؤال پاسخ دهیم، در اینجا بی‌شک می‌توانیم دستداران

فرهنگ و ادبیات ایران را محدود به ایرانیان کنیم، لذا پاسخ به این سؤال بحثی است مستقل و بسیار گسترده و به هیچ عنوان در چارچوب فعالیتهای سازمانی و نهادی نمی‌گنجد و بی‌تردید انتقال میراث فرهنگی به دستداران فرهنگ و ادبیات ایران و ترجمه آثار و متون اندیشمندان ایرانی معاصر و متأخر وظیفه‌ای است بسیار فراتر از حتی وظایف ملی. اگر اندکی به سهم اندیشمندان سایر ملت‌ها و سرزمین‌ها توجه کنیم باید به راحتی اقرار کنیم که پاسخ به این سؤال در محدوده این مجموعه سؤال‌ها به راحتی قرار ندارد و بهتر است به طور مستقل در بحثی جداگانه مطرح شود.

انتقال میراث فرهنگی عظیم ایران به جامعه بشری از طریق ترجمه آثار بزرگان و اندیشمندان ما در عرصه‌های گوناگون، در طول جنگ تحمیلی به نوعی رکود و سکون دچار شد که با کم‌تحرکی و اغلب تعطیل شدن بعضی کرسیهای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای معتبر جهان همخوانی داشت.

اما خوشبختانه امروز شاهد آن هستیم که در گوشه و کنار جهان بسیاری از ایران‌شناسان شیفته فرهنگ ایران و دستداران زبان فارسی درصدد جبران مافات برآمده‌اند و تلاشهای صادقانه‌ای که در زمینه تألیف فرهنگهای مختلف از جمله:

فرهنگ لغت فارسی - ژاپنی، فرهنگ لغت فارسی - روسی - قزاقی، فرهنگ لغت فارسی - صربی و برگردان مجموعه کتاب و نوار آموزش زبان فارسی (آزفا) که برای مخاطبان انگلیسی زبان طراحی شده است به زبانهای عربی، فرانسه، روسی، آذری، ازبکی، ارمنی و ... صورت گرفته یا در دست انجام است و درخواستهای مستمر واصله برای افزودن بر موجودی کتابخانه‌های دیارتمانهای زبان و ادبیات فارسی، نمودار بخشی از علاقه‌مندی و آمادگی صاحبانظران غیر ایرانی برای انجام آن کارهاست که در پرسش شما مطرح شده است.

### کینان

وضعیت کلی ایرانیان مقیم خارج چگونه است، و با توجه به اینکه ایرانیان مقیم خارج یک‌دست نیستند، به گونه‌ای که گروهی پیش از انقلاب مهاجرت کرده‌اند و گروهی بعد از انقلاب و یا خود این گروه با توجه به علایق و تفکراتشان متفاوت هستند، نمایندگی‌های کشور ما در خارج چه مسؤولیتی در قبال آنها دارند؟ و انتظار آنها از سفارتخانه‌ها چیست؟

پناهی آذر: از وضعیت کنونی ایرانیان مقیم خارج، به ویژه کسانی که بعد از انقلاب اسلامی به خارج رفته‌اند می‌توان نامی این گونه ترسیم کرد. بیشتر این افراد در سنین جوانی و با ذهنیتی کاملاً رمانتیک به خارج آمده‌اند. این کشورها برای آنان کعبه امال و آرزوها بوده است که به راحتی خواهند توانست در آن زندگی کنند و به آرزوهای خود برسند. ولی اکنون با گذشت چندین سال به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه در پیش رو تجسم می‌کرده‌اند، سرابی بیش نبوده و نه تنها نتوانسته‌اند فرهنگ کشور

میزبان را بپذیرند، بلکه در حال از دست دادن ماهیت خویش نیز هستند و از سوی دیگر همیشه در کشور میزبان مهاجر و خارجی تلقی می‌شوند، و هیچ‌گاه حقوق مساوی به دست نخواهند آورد. اکنون نیاز به ارتباط با ایران در آنها تقویت شده و با تسهیلاتی که فراهم آمده، هر روز شاهد استقبال بیشتر هموطنانمان در خارج برای سفر موقت یا دائم به ایران هستیم؛ برای نمونه ما در سوئد چیزی نزدیک به ۶۰ هزار ایرانی داریم که تنها در سال گذشته (۱۳۷۲) نزدیک به سی هزار مراجعه حضوری به سفارت برای گفتگو درباره مشکلات و معضلات و تردد به ایران داشته‌ایم. در حالی که ما بارها اعلام کرده‌ایم از مراجعه حضوری خودداری کنید و کارهای خود را از طریق مکاتبه پیگیری کنید.

در سال گذشته نیز نزدیک به ۱۲ هزار نفر از هموطنانمان در سوئد به ایران سفر کرده‌اند و این امارت تنها شامل کسانی است که از طریق آژانسهای هواپیمایی ایرانی به ایران سفر کرده‌اند و کسانی دیگر هم بوده‌اند که از راههای دیگر به کشور سفر کرده‌اند و در این مسیر، پروازهای مستقیمی از سوئد به تهران برقرار است و نزدیک به سه هزار نفر از این ۱۲ هزار نفر از طریق این پروازهای مستقیم به کشور آمده‌اند و اکنون نیز برای ماههای آینده تمام صندلیهای این پروازها رزرو شده است.

در هر صورت کتش از سوی ایرانیان مقیم خارج برای ارتباط با ایران چه از طریق سفر و چه از طریق ارتباطات فرهنگی وجود دارد و نمایندگیهای خارج از کشور نیز باید تلاش و کوشش خود را جهت حفظ و گسترش این ارتباطات و ارائه مطالب فرهنگی و تدارک برنامه‌هایی در این باره متمرکز کنند. ما باید برای حفظ این ارتباط همچنان که جناب آقای لواسانی گفتند از امکانات کشور میزبان حداکثر سود را ببریم. رادیو و تلویزیون سوئد یک روز در هفته برنامه‌هایی برای اقلیتهای قومی پخش می‌کند. با استفاده از این امکان رابطه صدا و سیمای جمهوری اسلامی با رادیو و تلویزیون سوئد برقرار گردیده و مسؤولین رادیو و تلویزیون سوئد چندین برنامه از صدا و سیما خریداری کردند و مدتی است که این برنامه‌ها را

پخش می‌کنند و مورد استقبال ایرانیان نیز قرار گرفته است و استمران آن را تضمین کرده‌اند. در جهت حفظ ارتباط با هموطنانمان در سوئد، ما کلاسهای تدریس زبان فارسی را نیز دایر کرده‌ایم. در رابطه با تدریس زبان فارسی لازم است نکته‌ای را یادآور شوم: طبق قوانین کشور سوئد دانش‌آموزان در دبستان و دوره راهنمایی در مدارس اقلیت می‌توانند تقاضای شرکت در کلاسهای زبان کشور خود را بکنند و مدارس موظف هستند که این امکان را فراهم کنند. امیدواریم با هماهنگی با وزارت آموزش و پرورش بتوان کتابهای خاصی درباره زبان فارسی که قابل تدریس در این مدارس باشد تهیه شود و در اختیار این کلاسها قرار گیرد تا از این طریق نیز آموزش رسمی و درست زبان فارسی در این گونه مدارس سوئد رایج شود.

در مسیر فعالیتهای ارتباطی با ایرانیان مقیم سوئد می‌توانیم از امکانات رادیویی زبان فارسی نیز سود

ببریم. در حال حاضر نزدیک به بیست ایستگاه به زبان فارسی برنامه پخش می‌کنند که بعضی از آنها از برنامه جذاب و سرگرم‌کننده صدای جمهوری اسلامی بود می‌برند. می‌توان به این گونه ایستگاهها کمک کرد تا با امکانات بیشتر برنامه‌های مناسب‌تری از آن طریق پخش کنند؛ برنامه‌های صبح جمعه و غیره. در کشور سوئد نیز مانند کانادا اقلیتهای قومی می‌توانند نشریات انجمن فرهنگی و کتابهای خاص خود را داشته باشند که این خود یک سری امکانات بالقوه در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم با کمک مالی کشور سوئد فعالیتهای مثبتی در این زمینه داشته باشیم.

یعنی ما در این جهت سیاستهای حمایتی و هدایتی را مد نظر قرار دهیم و سمت و سوی این فعالیتها را به جهت درست متمایل کنیم. از سوی دیگر، خود ما باید در جهت جوابگویی و ارضای نیازهای فرهنگی هموطنان مقیم خارج به طور مستقیم وارد میدان بشویم. بهترین راه این کار، ایجاد و راه‌اندازی یک کانال تلویزیونی ماهواره‌ای است که هموطنانمان بتوانند به طور مستقیم از برنامه‌هایی که در ایران ساخته می‌شود، استفاده کنند. این کار به نظر من ایده‌آل‌ترین

فعالیتی است که می‌شود در جهت حفظ و تقویت مبانی ارزشی فرهنگ اسلامی هموطنانمان انجام داد. البته راه‌اندازی چنین کانالی یک برنامه کوتاه مدت نیست ولی در یک برنامه‌ریزی درازمدت می‌توان به آن دسترسی یافت. اما در حال حاضر امکاناتی وجود دارد که می‌توان از آنها سود برد، مانند «کانال تلویزیونی آسیا» که تمام اروپا را پوشش می‌دهد و اگر ما امکاناتی را فراهم کنیم که یک ساعت در روز این کانال در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد، بسیار مطلوب خواهد بود و می‌توان در این یک ساعت برنامه‌های مورد نظر خود را بر اساس نیازهای فرهنگی ایرانیان خارج از کشور ساخت و پخش کرد. فکر می‌کنم این حرکت بسیار مؤثر خواهد بود و با یک برنامه‌ریزی درست حتی می‌توانیم از نظر مالی نیز هزینه‌اش را از طریق حق اشتراک تأمین کنیم. فعالیت دیگری که در جهت تقویت فرهنگ ملی می‌توانیم انجام دهیم، اعزام گروههای فرهنگی به ویژه گروههای هنری به خارج از کشور است، چون استقبال هموطنانمان از گروههای هنری بسیار وسیع و زیاد بوده است.

محمودی: نبود امنیت عاطفی یک عنصر اساسی در ایجاد خلأ فرهنگی در میان ایرانیان خارج از کشور است. این نبود امنیت عاطفی بر اثر اختلال هویتی ایجاد می‌شود و به صورت بیماریهای گوناگونی بروز می‌کند. یک پزشک تعریف می‌کند که بیشترین بیماریهای مراجعین من مشکلات عاطفی است که به صورت ناراحتیهای عصبی، ترس، آشفتگی روانی و گاه به صورت بیماریهای شبه روانی هم بروز می‌کند که بهترین درمان آن درک موقعیتشان در خارج از کشور و امکان ایجاد ارتباط بین آنها و کشورشان است.

تسهیلات و امکاناتی که جمهوری اسلامی ایران در اختیار هموطنانمان در خارج از کشور گذاشته کم‌نظیر است و کمتر کشوری است که در چنین سطحی امکانات در اختیار مردم کشورش قرار دهد، که اتفاقاً مورد استقبال فراوان هموطنانمان قرار گرفته است و ایرانیان مقیم خارج به طور فزاینده‌ای به سفارتخانه‌ها

و کنسولگریهای کشورمان مراجعه می کنند و درباره همه نوع مسایل و مشکلات شخصی و اجتماعی خودشان صحبت می کنند و از تسهیلات کنسولی سفارت استفاده می کنند. آمار مراجعات نشان دهنده استقبال روزافزون ایرانیان مقیم خارج از امکانات و تسهیلات سفارتخانه های کشورمان است. همه این آمار نشان می دهد که هدف نهایی و غایی ایرانیان مقیم خارج بازگشت به کشور و خارج شدن از غربت است. پس با امکانات ما، امنیت عاطفی لازم در هموطنانمان در حال شکل گیری است. البته در فعالیتهای خودمان باید نیازهای فرهنگی هموطنانمان در خارج از کشور را مد نظر قرار داد. کنسرت های موسیقی با مضامین اشعار سنتی (مانند کنسرت آقای شجریان که استقبال فوق العاده ای از آن شد) انتشار نشریات فرهنگی، برگزاری نمایشگاه های کالاهای ایرانی در خارج (مانند نمایشگاهی که دو سال پیش از تولیدات غیر نفتی ایران در هلسنکی دایر کردیم و هموطنانمان از شهرهای دور و نزدیک فنلاند برای خرید و دیدار از آن مراجعه کردند و اقدامی موفق بود)، گشایش کلاسهای تدریس زبان فارسی و ... می تواند پاسخگوی نیازهای فراوان ایرانیان مقیم خارج باشد.

در فنلاند، ایرانیان مقیم در کنار مسلمانان غیر ایرانی و مردم فنلاند توانسته اند با جلوه هایی از هنر، فرهنگ و اندیشه ایران اسلامی ظرف سالهای اخیر آشنا شوند. بخش فیلم های ایرانی مانند «کلید» و «چکمه» از شبکه های تلویزیونی فنلاند، شرکت سالانه فیلم های ایرانی در جشنواره بین المللی فیلم «تامپره»، شرکت ایران در نمایشگاه بین المللی کتاب «تورکو»، سفر هنرمندان، نویسندگان و اساتید فنلاندی به جمهوری اسلامی ایران و گزارش ماحصل دیدارها و ملاقات های آنان، از جمله اقداماتی بوده است که با همت بخش فرهنگی سفارت انجام شده است. برگزاری هشت سمینار طی سه سال و نیم گذشته توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران، این امکان را برای ایرانیان مقیم فراهم نمود که با دیدگاه های اساتید ایرانی در زمینه مسایل فرهنگی، تاریخی، فلسفی و دینی آشنا شوند و در جریان تحولات فکری جامعه علمی داخل کشور قرار گیرند. تأسیس کتابخانه سفارت جمهوری اسلامی ایران - که دارای بیش از ۲۵۰۰ عنوان کتاب می باشد - این امکان را برای ایرانیان مقیم فراهم ساخت تا با عضویت در کتابخانه، کتب، نشریات و نوارهای صوتی و تصویری را مورد استفاده قرار دهند و کانون خانواده خود را با فرهنگ و ارزشهای ملی عجین سازند. همچنین تأسیس مدرسه ایرانی در هلسنکی - که سه سال قبل به انجام رسید - امکان تحصیل آن دسته از فرزندان ایرانیان مقیم را که مایل بدان هستند، فراهم کرده است.

این گونه فعالیت ها البته تأثیرگذار و مفید است، اما اعتقاد من بر این است که ایرانیان مقیم خارج از کشور باید مانند بسیاری از ملیت های دیگر، خودشان با ابتکار عمل و دست زدن به فعالیت های خلاق و سازنده، در حفظ و صیانت از هویت ملی خود تلاش کنند. ایرانیان مقیم در کشورهای خارجی بایستی کار جمعی و مشترک را در فرآیند عمل تدریجی و قدم به قدم تجربه کنند. اما کار جمعی بدون واقع گرایی و

بدون درک ظرفیتهای آن با توجه به بافت خاص ایرانیان مقیم خارج، با موفقیت به انجام نمی رسد. به نظر من برای اینکه فعالیت های جمعی ایرانیان بتواند در عمل با موفقیت همراه شود و نتایج مفیدی برای حفظ ارزشها و اعتقادات و نیل به همبستگی هم میهنان ما در خارج از کشور در بر داشته باشد، بایستی واجد این عناصر باشد:

- ۱- اهداف فعالیت های جمعی، فراگیر و دارای کلیت باشد.
  - ۲- تصمیمات بر اساس اجماع گرفته شود تا در اجرای آنها ناسازگاری و تشتت بروز نکند.
  - ۳- فعالیت ها بر اساس درک یک ضرورت حتمی و اجتناب ناپذیر به عنوان کارهایی که جزء تفکیک ناپذیر حیات فردی و اجتماعی ایرانیان است انجام شود، نه به عنوان اموری دستوری، رسمی و حاشیه ای.
- طبیعی است اهداف این گونه فعالیت های فرهنگی می تواند در دو مقوله در نظر گرفته شود:
- نخست: حفظ هویت و شخصیت مسلمان و ایرانی، هموطنان خارج از کشور و استمرار آن در نسل های بعدی آنان.

دیگر: عرضه و معرفی شوون فرهنگ، به ویژه هنر و ادبیات و موفقیت های علمی و پژوهشی ایرانیان در داخل و خارج کشور. در این مسیر ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک ایرانیان داخل و خارج کشور اهمیت فراوان دارد.

**لواسانی:** ایرانیان مقیم کانادا را می توان به دو گروه تقسیم کرد: نسل حاضر و نسل آینده، که به نظر من نسل آینده از پیچیدگی بیشتری برخوردار است ولی وابستگی یا پیوستگی زیادی به نسل حاضر هم از خود نشان می دهد. اینکه ما چگونه با نسل حاضر برخورد کنیم، بی تردید روی نسل آینده تأثیر می گذارد. به همین دلیل من بیشتر به نسل حاضر می پردازم که نسل بعدی هم از آن متأثر خواهد بود. نسل کنونی متأسفانه افرادی را شامل می شود که یا در کودکی همراه پدر و مادرشان به خارج رفته اند و یا در خارج به دنیا آمده اند. اینها چند ویژگی دارند، وضع زندگیشان پیرو محیط غیر فارسی است و در آنجا رشد یافته، در محیط غیر فارسی درس خوانده اند، رادیو تلویزیون غیر فارسی دیده اند، کتاب و نشریات غیر فارسی مطالعه کرده اند و فعالیتشان در محیط اجتماعی که غیر فارسی بوده است. تنها مرجع فارسی زبان آنها پدر و مادرشان هستند که ارتباط پدر و مادرها هم با بچه ها اغلب بسیار محدود است. در نتیجه بچه های نسل آینده یا به طور کلی با زبان فارسی ناآشنا، یا اینکه با اشکال صحبت می کنند.

این بچه از ایران جز نامش را نمی داند و از پیشینه فرهنگی، ملی و اسلامی و نیز تمدن درخشان گذشته و حال اطلاعات کم یا ناچیزی دارد.

اکنون ایرانیان مقیم خارج از کشور چند دسته اند، نخست کسانی که دارای خط سیاسی اند و اقلیت کوچکی را تشکیل می دهند؛ دوم گروهی هستند که تحت تأثیر فرهنگ کشورهای غربی هستند یا به قول مشهور غرب زده هستند و نیز شمارشان زیاد نیست و

درصد بالایی را تشکیل نمی دهند؛ و گروه سوم کسانی هستند که بیشتر به دلایل غیر سیاسی به خارج از کشور رفته اند، مانند ادامه تحصیل، معالجه یا برخی مسایل اجتماعی دیگر که شمار انبوهی را نیز تشکیل می دهند. ارتباط این گروه در سالهای اخیر با نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور افزایش زیادی پیدا کرده است و تعداد زیادی از سنن و اعتقادات مذهبی و ملی را هم رعایت می کنند.

موضع اصلی به اعتقاد من ارتباط بیشتر ایرانیان با مسایل و فضای داخل کشور است. در هر صورت، هدف اصلی این است که ایرانیانی که به دلایل مختلف و چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی به خارج از کشور رفته اند، به موطن اصلی خودشان بازگردند و امکان زندگی، فضای جغرافیایی و فرهنگی مناسبی در کشور برایشان به وجود آوریم.

با توجه به تجربیات چهار ساله ام در کانادا به طور قاطع می توانم بگویم که زندگی در خارج از کشور آن هم در کشوری که محیط غالبی دارد، بر نحوه زندگی، تفکرات و برداشتهای اجتماعی تأثیر خواهد گذاشت. اما در ارتباط با ایرانیان خارج از کشور ما می توانیم بهره های متفاوتی ببریم. برای نمونه ایرانیان به دلیل علاقه شان به کشور و حال و هوای آن، می توانند عاملهای مهمی برای ارتباطات اقتصادی و بازرگانی در اینجا باشند و یا اینکه اگر ما با ایرانیان خارج از کشور ارتباط قوی و مؤثر داشته باشیم و آنها را نسبت به سایل فرهنگی و سیاسی کشور آشنا و حساس کنیم،

بی شک این جمعیت می تواند معرف فرهنگ و تفکر ایرانی - اسلامی باشد و وسیله ای برای گسترش این فرهنگ و تفکر. یک نمونه آن هنگامی که کشتی گبران کشورمان به کانادا آمده بودند در طول مسابقات افتاد و ایرانیان مقیم کانادا به واقع در تشویق و بروز فرهنگ ایرانی - اسلامی سنگ تمام گذاشتند، به گونه ای که روزنامه های کشور هم به این مسأله اشاره داشتند.

از سوی دیگر، ایرانیان مقیم خارج با توجه به وابستگی های خانوادگی و عاطفی که به اقوام و خویشان خود در ایران دارند می توانند وسیله ای مهم برای کسب درآمد ارزی کشور هم باشند. چون به طور معمول ایرانیان بخشی از درآمدهای خود را برای خانواده و یا کسان خود در ایران می فرستند. هرچند ممکن است این رقم چندان چشمگیر نباشد، ولی در هر حال برای کشور ما که این گونه منابع درآمدی نداشته ایم مفید خواهد بود. و دیگر آنکه این ایرانیان خود توریستهای بسیار خوبی هستند، افزون بر اینکه با سنن و اعتقادات مذهبی آشنا هستند در رعایت این اعتقادات و سنن هم هیچ مشکلی نخواهند داشت. با توجه به سیاست گسترش توریست این امر می تواند نخستین عامل رونق این بخش باشد. از مزایای دیگر ارتباط با ایرانیان خارج از کشور سودبری از دانش و فن آنهاست، بسیاری از ایرانیان از شهرت های علمی و اجتماعی خوبی در خارج از کشور برخوردارند و برخورداری از دانش و معلومات آنها چه به صورت دائم یا موقت عامل مهمی در ارتقای سطح دانش مراکز

علمی ایران است. از سوی دیگر باید به وزارتخانه‌ها و مسؤولان اقتصادی و بازرگانی کشور تفهیم شود که اگر پروژه‌ای به صورت مشترک با شرکتهای خارجی دارند، از این شرکتهای بخواهند که از متخصصان و مهندسان ایرانی مقیم خارج سود ببرند که این مسأله هم به سود شرکتهای خارجی و هم به سود ماست. ما این مسأله را در پروژه چوب و کاغذ پیگیری کردیم و نتایج خوبی هم گرفتیم.

مسأله‌ای که ایرانیان در خارج از کشور با آن درگیرند، مسأله فرهنگی است که می‌توان با تمهیداتی باعث ارتباط هر چه بیشتر هموطنان با کشور شد، برای نمونه تقویت مدارس نیمه وقت که در خیلی از کشورهای خارجی این مسأله عمومیت دارد. توزیع کتاب و نشریات ایرانی، و ایجاد و راه‌اندازی کانالهای رادیو تلویزیونی به زبان فارسی.

در هر حال، چیزی که تا اندازه‌ای سبک‌تر و ارزانتر از این دربیاید، ایجاد مؤسسات فرهنگی است که خانواده‌های ایرانیان در آن فعالیت کنند و خودشان مبتکرش باشند. و نیز تنظیم تورهای مسافرتی برای سفر فرزندان ایرانیان به کشور و آشنایی با ویژگیهای فرهنگی و اقتصادی ایران به طوری که این فرزندان سالانه یکی-دو بار به ایران سفر کنند.

همچنین راه‌اندازی و اجرای کنسرت‌هایی که با اعتقادات ما سازگار باشد. برنامه‌های موسیقی سنتی ایرانی در کشورهای خارجی و به ویژه در میان ایرانیان شیفتگان فراوانی دارد و می‌تواند آنها را ضمن آشنایی با موسیقی و هنر ایرانی، در برابر هجوم موسیقی مبتذل غربی بیمه کند.

مشکل دیگر، مسأله اقتصادی است. ما باید با ارتباط بازرگانی و اقتصادی گسترده با ایرانیان مقیم خارج، باعث شویم که آنها رفت و آمد و ارتباط بیشتری با کشور برقرار کنند؛ برای نمونه با دادن نمایندگی بازرگانی خاص به آنها و یا گرفتن نمایندگی‌های کالاهای خاص از آنها.

موضوع بعد، مسأله سیاسی است. مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری هنگفتی روی تأثیرگذاری بر مسؤولان سیاسی و اقتصادی کشور ما و ایرانیان مقیم خارج داشته‌اند تا از این طریق به کشورمان فشارهای سیاسی و اقتصادی وارد کنند. ما هم می‌توانیم با مقداری کار و کوشش ارتباط خودمان را با این ایرانیان بیشتر کنیم و آنها را به واقع در جریان رخدادهای داخلی قرار دهیم. در این مدت به منظور ایجاد ارتباط با هموطنان در خارج از کشور قدمهای مهمی برداشته‌ایم و سعی کرده‌ایم ارتباط کنونی خود را با آنها افزایش دهیم، که آمار نشانگر موفقیت ماست. برای اینکه کانال ارتباطیمان با ایرانیان مقیم این کشور (کانادا) همچنان با قوت باقی بماند، تمهیداتی اندیشیده‌ایم، برای نمونه سعی کرده‌ایم از تجسس بیش از حد و پرسشهای گوناگون خودداری کنیم. سفارتمان را که پیش از این در منطقه‌ای دور افتاده بود و دسترسی به آن مشکل بود، به مرکز شهر و جایی که هموطنانمان بتوانند به راحتی به آن مراجعه کنند، منتقل کرده‌ایم. در سفارت فضایی به وجود آوردیم که هم حال و هوای ایرانی داشته باشد و هم مراجعه کنندگان در آن احساس راحتی و آرامش کنند.

همچنین از آنجا که کانادا کشور بزرگی است و فاصله شهرها با همدیگر بسیار زیاد است، به منظور اینکه هموطنانمان در اقصی نقاط کشور کانادا بتوانند با اعضای سفارت جمهوری اسلامی ایران در ارتباط باشند، اعضای سفارت روزهای تعطیل طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده در این شهرها مستقر می‌شوند تا مراجعه کنندگان بتوانند به آنان مراجعه و مشکلات خود را حل کنند. این برنامه بعضی مواقع با مشکلاتی از سوی ضدانقلاب روبه رو می‌شد، ولی با برخورد منطقی و خوب اعضای سفارت این برنامه بسیار موفق بوده است و ارتباطات ما را با هموطنان بیشتر کرده است. در کشور کانادا امتیازات خاصی برای اقلیتهای قومی در نظر گرفته‌اند که برای نمونه به راه‌اندازی نشریات مخصوص، کانالهای تلویزیونی و... می‌توان اشاره کرد. ایرانیان نیز از این فرصت استفاده کرده‌اند در حال حاضر برنامه‌های به نام «ایران سیم» به صورت هفتگی نیم ساعت در شهر اوتاوا پخش می‌شود که همراه چهار بار تکرار می‌شود و برنامه‌های است به نسبت سالم که مورد توجه ایرانیان ساکن این شهر نیز قرار گرفته است.

همچنین اکنون در کانادا تعداد زیادی دانشجوی ایرانی داریم که در رشته‌های مختلف مشغول به تحصیل هستند و ما به عنوان سفارت جمهوری اسلامی



☆ سید علی محمودی: کار فرهنگی بدون واقع‌گرایی و بی‌درک‌ظرافتهای خاص موقعیت ایرانیان مقیم خارج کشور با موفقیت به انجام نمی‌رسد.

☆ سید علی محمودی: در حالی که مقاومت و مخالفت با برنامه‌های فسادانگیز در خود غرب وجود دارد؛ نگرانی از این برنامه‌ها در خانواده‌های ایرانی مقیم خارج کشور غیر طبیعی نیست.

ایران در جهت وظایف خود باید با این دانشجویان در ارتباط باشیم و هستیم. به منظور رسیدگی به وضعیت این دانشجویان بیشتر با مسؤولین آموزش عالی ایالت‌های مختلف کانادا و مسؤولین دانشگاههای این کشور در ارتباط تنگاتنگ هستیم تا افرون بر حل مسایلی و مشکلات دانشجویان، مرادوات فرهنگی و دانشگاهی دو کشور ادامه و گسترش یابد.

**کریغان :** می‌خواستیم بحثی داشته باشیم درباره مسایلی چون ماهواره که در کشور ما یک مشکل شده است. آیا این مسأله روی ایرانیان مقیم خارج تأثیری گذاشته است یا نه و آنها چه برخوردی با آن دارند و اصولاً نوع برخورد با ماهواره چگونه باید باشد؟

**پناهی‌آذر:** بی‌شک وسایلی ارتباط جمعی و به خصوص ماهواره تأثیراتی بر ایرانیان مقیم خارج به ویژه نسل دوم گذاشته است، چون سیستم فرهنگی و آموزشی این کشورها و روند تبلیغاتی و سرگرمی آنها با هم در یک مسیر هستند و این مسأله تأثیرگذار است و به همین سبب ما هر روز شاهد افزایش نگرانی والدین از وضعیت و خوی و رفتار فرزندانمان در خارج از کشور هستیم و برای جلوگیری از تأثیر مخرب ماهواره و کانالهای خاص سعی می‌کنند تمهیداتی ببندند؛ برای نمونه سعی می‌کنند فضایی را به وجود آورند که فرزندان کانالهای خاص را نبینند و یا از تلویزیونهای خاص استفاده کنند که در هر صورت کنترل بیشتری برای روش چگونه دیدن تلویزیون داشته باشند. بدیهی است بهترین و کاراترین روش برخورد با ماهواره ارائه برنامه‌های مناسب جایگزین می‌باشد.

**محمودی:** بر اساس مطالعات و تحقیقات من، در خود کشورهای غربی نیز استقبال زیادی از برنامه‌های فاسد و ضد اخلاقی نمی‌شود و فقط اقلیت کمی هستند که این گونه برنامه‌ها را تماشا می‌کنند. بیشتر از همه صهیونیست‌ها هستند که سازنده و مشوق تولید و پخش این گونه فیلمها هستند و حتی فعالیت همجنس‌گرایی را هم صهیونیست‌ها سامان می‌دهند و ترویج می‌کنند، ولی از آنجا که «کل مولود یولد علی الفطره»، بیشتر غربی‌ها نیز با برنامه‌های فسادانگیز و ضد اخلاقی مخالف هستند و این برنامه‌ها را نگاه نمی‌کنند. در حالی که مقاومت و مخالفت با این گونه برنامه‌ها در خود غرب وجود دارد، نگرانی از این برنامه‌ها در خانواده‌های ایرانی غیر طبیعی نیست چون در هر صورت ریشه در فرهنگ خاص و پاک دارند. مخالفت و مقاومت خانواده‌های ایرانی در خارج از کشور با پدیده ماهواره در این جهت است، اما به نظر من مهم‌ترین مسأله‌ای که در خارج و یا داخل کشور ما مطرح است آنکه ما آموزشی را به افراد بدهیم که آنها چند درصد وقتشان را در اختیار مطالعه کتاب، دیدن موزه‌ها و مکانهای تفریحی سالم و... بگذارند. باید این آموزش گسترش یابد تا تعادلی بین این نیازها به وجود آید. کسانی هم که با عطش فراوان به استقبال ماهواره رفته‌اند اکنون از آن دلزده هستند و ترجیح می‌دهند به گزینش برنامه‌های خاص اوقات خود را بهتر بگذرانند.

**کریغان :** سپاسگزاریم.